

فصل اوّل:

کلیّات تحقیق

۱ - ۱ مقدمه

بنا بر گواهی تاریخ بشر از دیرباز به صورت اجتماعی می‌زیسته و یکی از مهم‌ترین نیازهای آدمی در زندگی اجتماعی بر قراری ارتباط با هم‌نوعان و ایجاد تفهیم و تفاهم است. بشر همواره برای برقراری ارتباط در جوامع خود از وسایل و ابزارهای مختلفی سود می‌جسته که در این میان (زبان)^۱ مهم‌ترین ابزار و وسیله‌ی او به شمار می‌آید.

بنابراین زبان یک «نهاد اجتماعی» است بدین معنی که افراد یک اجتماع به منظور آگاهی از مقاصد و نیات یکدیگر و برای برقراری ارتباط با همدیگر عناصر آن را بر قرار کرده‌اند. زبان نه تنها مهم‌ترین وسیله ارتباطی بشر بلکه پایه اغلب نهادهای دیگر اجتماعی نیز می‌باشد و به دلیل سرشت اجتماعی خود هماهنگ با اختلاف اجتماعات، مختلف است. به سخن دیگر با اینکه این نهاد^۲ در همه اجتماعات بشری وجود دارد و وظیفه و نقش آن در همه جا یکسان است، شکل آن الزاماً در همه جوامع یکسان نیست و نحوه‌ی عمل آن در هر اجتماع با اجتماع دیگر آشکارا تفاوت دارد. به طوری که هر شکلی از زبان فقط در میان افراد جماعتی معین می‌تواند وظیفه‌ی برقراری ارتباط و تفاهم را به جای آورد. (باقری، ۱۳۷۵: ص ۱۲)

مطالعه و توصیف زبان که موضوع اصلی زبان‌شناسی^۳ است، باید در بافت اجتماعی آن انجام گیرد و به واسطه‌ی خصلت اجتماعی زبان نمی‌توان بدون توجه به متغیرهای اجتماعی گوناگون به بررسی کامل آن پرداخت. در واقع میان ساخت زبان و ساخت جامعه و روندها و متغیرهای زبانی و اجتماعی، رابطه‌ی نزدیک و تنگاتنگ وجود دارد و مطالعه‌ی زبان جدا از بافت اجتماعی آن، نمی‌تواند توصیفی همه‌جانبه و واقع‌گرایانه از آن بدست دهد. موضوع اصلی علم جامعه‌شناسی زبان^۴ نیز بررسی زبان در جامعه می‌باشد. جامعه‌شناسی زبان نام شاخه‌ی علمی تازه‌ای است که از محل تلاقی زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی جوانه زده است. وقتی زبان در ارتباط با گروه یا جامعه مورد مطالعه قرار گیرد یعنی به عنوان ابزار ارتباطی بین افراد اجتماع مطرح باشد، بررسی آن در حوزه‌ی شاخه‌ی علمی دیگری قرار می‌گیرد که به آن جامعه‌شناسی زبانی

¹ - language

² - Institution

³ - linguistics

⁴ - Sociology of language

گفته می‌شود. اغلب پیشرفت‌های جامعه‌شناسی از اواخر دهه ۱۹۶۰ صورت گرفته است. مطالعات افرادی مانند ویلیام لباو^۵ استاد دانشگاه پنسیلوانیا را باید از نخستین گام‌های اساسی در این رشته دانست زیرا در همین بررسی‌هاست که با بهره‌گیری از روش‌های جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی، برای نخستین بار همبستگی متغیرهای زبانی اجتماعی به شیوه‌ای علمی و منظم نشان داده می‌شود. جامعه‌شناسان زبان به مطالعه و بررسی رابطه‌ی بین زبان و جامعه می‌پردازند. جامعه‌شناسان زبان همچنین به انواع مختلف گوناگونی‌های زبانی^۶ علاقه‌مند هستند، گوناگونی‌هایی که برای بیان و بازتاب عوالم اجتماعی بکار می‌روند. (باقری، ۱۳۷۵)

به سادگی می‌توان مشاهده کرد که سخن‌گویان فارسی زبان همواره در همه‌ی نواحی جغرافیایی و نیز در موقعیت‌های گوناگون به طور یکسان صحبت نمی‌کنند، بلکه بر حسب ناحیه‌ی جغرافیایی و نیز موقعیت اجتماعی خاص، گونه‌ی زبانی جغرافیایی و یا صورت‌های زبانی خاص یعنی واژه‌ها، ساخت‌ها و عبارت‌های متفاوتی را به کار می‌برند که تا حدودی معنی واحدی را می‌رسانند. به بیان دیگر، گونه‌های زبانی که در خانه، مدرسه یا دانشگاه، محیط کار، بازار، محیط‌های اداری، موقعیت‌های رسمی و جز این‌ها به کار می‌بریم، تا حدودی با یکدیگر متفاوتند، یعنی، سخنگویان زبان به هنگام ارتباط زبانی با افراد متفاوت، از گونه‌های زبانی متفاوت استفاده می‌کنند. (ممدوحی، ۱۳۸۴)

شاید این واقعیت در نگاه اول عجیب و اغراق‌آمیز به نظر برسد که بسیاری از انسان‌های جهان برای رفع احتیاجات روزمره‌ی خود مجبورند تا چهار یا پنج زبان را بیاموزند:

زبان مادری^۷ (محلی^۸ یا بومی^۹) و قومی، زبانی است که انسان از بدو تولد و اغلب از طریق پدر و مادر خود آن را فرا می‌گیرد. (همان)

زبان ملی^{۱۰}، که فراگیری آن حداکثر از زمان مدرسه رفتن آغاز می‌گردد و بدون یادگرفتن آن زندگی در کشور مربوطه بسیار سخت و دشوار است.

زبان مذهبی^{۱۱}، که شخص به‌خاطر درک هرچه دقیق‌تر دین و مذهب خود و انجام فرایض آن، باید آن را فرا بگیرد. (همان)

⁵ - William labov

⁶ -linguistic variations

⁷ -mother tongue

⁸ -local language (Vernacular)

⁹ -native language

¹⁰ - national language

¹¹ -religion language

زبان منطقه‌ای^{۱۲}، که فراگیری آن برای افراد غیربومی ساکن در محلی که زبان مادری آن با زبان مادری شخص و یا زبان ملی کشور مربوطه متفاوت است راه‌گشا خواهد بود. (ممدوحی، ۱۳۸۴)

زبان بین‌المللی^{۱۳}، که باید وسیله‌ای باشد برای ارتباط برقرار ساختن با تمامی کشورهای دیگر جهان. از بین این پنج مجموعه‌ی زبانی متفاوت، زبان‌های مادری و بین‌المللی مورد کم توجهی واقع شده‌اند. (همان)

¹² - regional language

¹³ - international language

۲-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

درخت کامیابی از بذر برنامه ریزی می‌روید و برنامه‌ریزی درست مستلزم دو شناخت است:

الف- شناخت وضعیت موجود.

ب- ترسیم وضعیت مطلوب.

و پس از دریافت این دو دانش می‌توان برای حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب نقشه کشید و به این نقشه کشیدن برنامه ریزی می‌گویند. و ضرورت و اهمیت این پژوهش در ترسیم درست وضعیت موجود دوزبانگونگی در منطقه‌ی اورامانات و اندازه‌ی تسلط زبان‌های فارسی و کردی در حوزه‌های مختلف اجتماعی می‌باشد.

زبان بومی در همجواری زبان رسمی تقریباً روز به روز موقعیت خود را از دست می‌دهد مخصوصاً در میان افراد تحصیل کرده که در این زمینه تاکنون هیچ اقدامی صورت نگرفته است. شناخت بهتر گویش کردی در منطقه‌ی اورامانات می‌تواند از یک طرف برای علاقه مندان به گویش کردی موجود در کشور و از سوی دیگر بعنوان گویشی برای بررسی زبان فارسی سودمند باشد. به طور کلی تحقیق در زمینه‌ی دو زبانگونگی در ایران کمتر صورت گرفته است اما در مورد بررسی جایگاه زبان فارسی و بومی تحقیقاتی در حد پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد انجام شده است که در قسمت پیشینه‌ی تحقیق بدان پرداخته شده است.

بنابراین علاقه مندان می‌توانند در زمینه‌های زیر اطلاعاتی را درباره‌ی زبان کردی در منطقه‌ی اورامانات (شهرستان‌های چهارگانه‌ی پاوه، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی) کسب کنند: آشنا شدن با وضعیت زبانی و شاخه‌های متعدد و گستردگی آن در منطقه‌ی اورامانات، آشنا شدن به کاربرد زبان توسط گروه‌های مختلف، آشنا شدن با چگونگی پیوند گویش کردی با زبان فارسی، پی بردن به رابطه‌ی بین حوزه‌های اجتماعی و انتخاب زبان توسط افراد. همچنین این تحقیق می‌تواند دارای کاربردهای آموزشی باشد به این صورت که در منطقه‌ی اورامانات زبان مسلط در هر حوزه چه زبانی است و ضمناً علاقه مندان می‌توانند در مورد فرهنگ، جمعیت، وسعت و موقعیت این منطقه اطلاعاتی کسب کنند.

۱-۳ مکان تحقیق

شهرستان های چهارگانه ی «اورامانات» :

۱- شهرستان پاوه^{۱۴} یکی از سیزده شهرستان استان کرمانشاه ایران است و مرکز آن شهر پاوه است. این شهرستان، سه بخش و هفت دهستان دارد و جمعیت آن بالغ بر ۶۱۹۱۸ نفر است. (آمار ۱۳۸۳خ). زبان مردم پاوه، گویش کردی اورامی است.

۲- شهرستان جوانرود^{۱۵} از شهرستان های استان کرمانشاه در غرب ایران است. مرکز این شهرستان شهر جوانرود (قلعه) است. این شهر در شمال غرب استان کرمانشاه واقع شده است و جمعیت آن بالغ بر ۶۰۳۸۲ نفر است. (آمار ۱۳۸۴خ). زبان مردم جوانرود یکی از شاخه های زبان کردی سورانی به نام جافی است.

۳- شهرستان روانسر^{۱۶} یکی از شهرستان های استان کرمانشاه است. مرکز آن شهر روانسر است. جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۸۵، بالغ بر ۵۰۷۷۷ نفر بوده است. (آمار ۱۳۸۴خ) شهرستان روانسر (نیکور باستان) در حدود ۵۵ کیلومتری شمال غرب کرمانشاه و در دامنه کوه یلهور (کوهستان شاهو) قرار دارد زبان مردم جوانرود یکی از شاخه های زبان کردی سورانی به نام جافی است.

۴- شهرستان ثلاث باباجانی^{۱۷} یکی از شهرستان های استان کرمانشاه ایران است. این شهرستان، در سال ۱۳۸۱ به عنوان شهرستان شناخته شد. مرکز این شهرستان شهر تازه آباد است. از گله دیگر شهر آن است.

به سبب سکونت سه طایفه مهم باباجانی (باباجائی / باوه جانی)، قبادی و ولدبگی، نام ثلاث به این شهرستان اطلاق شده است. این شهرستان دو بخش، شش دهستان، دو شهر و ۲۵۲ روستا دارد و هم مرز با کشور عراق است. وسعت این شهرستان حدود ۵۰۰۰ کیلو متر مربع و جمعیت آن ۴۲۰۰۰ نفر می باشد. (آمار ۱۳۸۴خ). زبان مردم جوانرود یکی از شاخه های زبان کردی سورانی به نام جافی است.

¹⁴ - *Paveh*

¹⁵ - *Javanrood*

¹⁶ - *Ravansar*

¹⁷ - *Salas – e – Babajani*

۴-۱ بیان مسأله

«زبان نظامی است که بر پایه آن هم امکان ارتباط پیامی با ویژگی‌های ادراکی میسر می‌گردد و هم بر پایه‌ی آن فرایندهای اجتماعی معتبر، علائم وارده در اندیشه شکل می‌گیرد و تبیین می‌شود. زبان و علائمی که ضبط می‌شود شکل برجسته‌ی بعد نمادین و فرهنگی انسان است که از نظر اجتماعی جذب می‌شود» زبان یکی از رفتارهای انسانی است که روان‌شناسی^{۱۸} مطالعه‌ی آن را کلیدی برای گشودن اسرار فعالیت‌های عالی ذهن (تفکر، تخیل، استدلال، قضاوت و عواطف و...) می‌داند و از نظر انسان‌شناسی^{۱۹} (معیار انسانیت) هم حائز اهمیت می‌باشد زیرا بزرگترین ویژگی و تفاوت که انسان را از سایر حیوانات متمایز می‌کند، بیان و نطق اوست به عبارت دیگر کلام و بیان (در قالب الفاظ و زبان) ظهور خارجی منطق باطنی بوده و تفکر، تعقل، احساسات، استدلال و عواطف بوسیله‌ی زبان تجلی می‌یابد.

در یک تقسیم‌بندی کوتاه می‌توان زبان را به سه دسته‌ی زبان مادری، زبان مشترک^{۲۰} و زبان تحمیلی^{۲۱} تقسیم بندی کرد که زبان مادری به جامعه‌ی زبانی فرد اشاره دارد که او در آن زاده شده و رشد کرده است و نخستین وسیله‌ی ابزار احساسات و اندیشه‌های یک گروه قومی و ملی است و از طریق همین وسیله است که فرد در واحد اجتماعی اصلی یعنی خانواده ادغام می‌شود و روند اجتماعی شدن شکل می‌گیرد. زبان مادری به لحاظ موقعیت و نقشی که دارد چنانچه برای ارتباط اجتماعی چندین قوم و ملت نیز به کار رود، زبان رایج آن اجتماع می‌شود که در این صورت زبان مادری در سطح چندین ملت یا بخش عظیمی از آن در محدوده مرزهای مشخص و قراردادی و زیر یک پرچم و تحت فرمان یک حکومت بکار می‌رود و نام زبان مشترک به‌خود می‌گیرد و همچنین اگر علی‌رغم میل باطنی مردم و بدون در نظر گرفتن مصالح عمومی و فرهنگی و علمی و تنها به منظور نشان دادن خواست فرد یا گروهی و به قصد امحاء و یا تضعیف زبان‌های رقیب و محتویات آنان به مردم کشوری تحمیل گردد زبان تحمیلی می‌نامیم. زبان مادری نخستین ابزار احساسات و اندیشه‌های یک گروه قومی است و گوش انسان از بدو تولد با لالایی‌های مادر و سایر نزدیکانش و همچنین با تکلم آنان، با آن آشنا می‌شود.

¹⁸ -psychology

¹⁹ -anthropology

²⁰ - common language(Lingua france)

²¹ - imposed language

هر قوم و ملّتی فرهنگ خاص خود را دارد که هر یک سلسله سنت‌های حاکم بر آن قوم که ریشه در آداب اجتماعی آنها دارد ریشه می‌گیرد و کاملاً وابسته به زبان آن ملّت می‌باشد و با ازبین رفتن زبان، فرهنگ و اخلاق و سپس شعور و قدرت ملّت از بین خواهد رفت.

اهمیت زبان مادری تا به حدّی می‌باشد که سازمان علمی و فرهنگی یونسکو^{۲۲} کسی را باسواد می‌داند که قادر باشد به زبان مادری خودش بنویسد و بخواند و حتی در قانون اساسی کشورمان که میراث مشترک همه مردم ایران از هر قوم و نژاد و مبین نهادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به شمار می‌رود به صراحت دراصل ۱۵ (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) استفاده از زبان‌های محلی و قومی (مادری و ملی) در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی (به‌عنوان زبان مشترک) آزاد اعلام شده است که همگی دلالت بر اهمیت و جایگاه زبان مادری دارد.

ایران سرزمین نیاکانی گروه‌های فرهنگی - چندزبانی است که به زبان‌های اردو، بلوچی، کردی، عربی و غیره گویش می‌کنند. ولی زبان رسمی مدرسه‌ها فارسی، یا زبان گروه بیشینه شمار (اکثریت) است، که زمینه ساز دشواری دوگانگی زبان خانه و مدرسه برای هزاران هزار کودک می‌شود که زبان مادری‌شان فارسی نیست. میزان در پایه مانی (مردودی) در میان این گروه‌ها بیشتر از گروه فارسی زبان است، همان‌گونه که در میزان آموزش‌گریزی (ترک تحصیل) هم آنها بر این گروه فزونی دارند. در راستای بازشناخت این دشواری، وزارت آموزش و پرورش کشور یک دوره آماده سازی یک ماهه برای کودکانی که زبان ماری‌شان فارسی نیست، برنامه‌ریزی کرده است که درست یک ماه پیش از آغاز پایه‌ی اول برگزار می‌شود. افزون بر این در برخی از استان‌ها دوره‌های یک ساله‌ی پیش‌دبستانی برگزار می‌شود که بدون آنکه هیچ گونه برنامه‌ی ویژه‌ای برای غیرفارسی‌زبانان داشته باشند پذیرای هر دو گروه می‌شوند.

هدف تحقیق حاضر این است که نیاز پرداختن به این دشواری را برجسته کند و پی‌جوی راهکاری بخردانه برای از میان برداشتن آن از راه یکی از گونه‌های آموزش دو زبانه شود. تنها شمار چشم‌گیر دانش‌آموزانی که دچار این دشواری هستند، و پیامدهای زیان‌بار آن که گریبان‌گیر دانش‌آموزان دیگر زبان هستند، نشان‌دهنده‌ی ارزندگی آموزشی برای پرداختن به این دشواری است. پیشینه‌ی پژوهشی آموزش دو زبانه چارچوب نظریه‌ی پژوهش کنونی را پدید می‌آورند که در آن با به کارگیری داده‌های گردآوری شده با پرسشنامه دانش‌آموزی در «بررسی

جهانی پیشرفت در خواندن» (پرلز) وابستگی گوناگونی در عرصه‌های های خواندن به میزان هم سایی (تماس) با زبان فارسی نشان داده می شود. چنین گوناگونی در ارزش‌های خواندن همراه با جایگاه بسیار پایین دانش آموزان ایرانی در این بررسی جهانی گویای نیاز به بازنگری بنیادی در سامانه آموزشی کشور و گشایش گره‌های شناسایی شده (دوگانگی زبان خانه و آموزشگاه) است.

۱-۵ اهداف تحقیق

۱-۵-۱ هدف کلی

بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و کردی در اورامانات (شهرستان‌های چهارگانه‌ی پاوه، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی)

۱-۵-۲ اهداف جزئی

- ۱- بررسی کاربرد زبان فارسی و کردی در حوزه‌های گوناگون مانند خانواده، مدرسه، موقعیت‌های رسمی و غیررسمی و مراکز اداری
- ۲- بررسی وضعیت جنسیت و کاربرد زبان فارسی و کردی در حوزه‌های گوناگون مانند خانواده، مدرسه، موقعیت‌های رسمی و غیررسمی و مراکز اداری
- ۳- بررسی وضعیت سن و کاربرد زبان فارسی و کردی در حوزه‌های گوناگون مانند خانواده، مدرسه، موقعیت‌های رسمی و غیررسمی و مراکز اداری
- ۴- بررسی وضعیت سطح تحصیلات و کاربرد زبان فارسی و کردی در حوزه‌های گوناگون مانند خانواده، مدرسه، موقعیت‌های رسمی و غیررسمی و مراکز اداری

۱-۶ فرضیه‌های تحقیق^{۲۳}

۱-۶-۱ فرضیه‌ی صفر

فرضیه‌ی صفر در این تحقیق به شکل زیر مطرح می شود:

عواملی از قبیل حوزه های مختلف اجتماعی، سن، جنس، سطح تحصیلات و زبان مادری همسر هیچ تاثیری بر انتخاب زبان ندارد.

۲-۶-۱ فرضیه‌های اصلی تحقیق

۱- در منطقه‌ی اورامانات در موقعیت‌های رسمی و در برخورد با کرد زبانان و فارسی زبانان از زبان فارسی و در موقعیت‌های غیررسمی و در برخورد با کرد زبانان از زبان کردی استفاده می‌شود.

۲- در منطقه‌ی اورامانات از نقطه نظر گروه‌های سنی، افراد جوان، از نقطه نظر گروه‌های جنسی دختران و از نقطه نظر گروه‌های تحصیلی افراد تحصیل کرده بیشتر از دیگر گروه‌ها از زبان فارسی استفاده می‌کنند.

۷-۱ تعاریف اصطلاحات و متغیر^{۲۴}ها۱-۷-۱ زبان^{۲۵}

زبان وسیله‌ی بیان تفکر است و غالباً برای انتقال فکر کسی به دیگری به کار می‌رود. این انتقال ممکن است به وسیله‌ی گفتن، نوشتن، اشاره و یا لمس انجام شود. پس هر چه وسیله‌ی انتقال فکر، یعنی زبان، از طرفی ساده و از طرف دیگر دقیق تر باشد، عمل انتقال فکر دقیق تر و راحت تر صورت خواهد گرفت.

۲-۷-۱ زبان مادری

زبان مادری زبانی است که از مادر، پدر و نزدیکانمان آموخته‌ایم. بنا به نظر پژوهشگران کودک در رحم مادرش با زبان مادری‌اش آشنا می‌شود و هنگام به دنیا آمدن که گریستن آغاز می‌کند اگر به زبان مادریش با وی سخن گفته شود، گریه‌اش را قطع کرده گوش می‌دهد.

۳-۷-۱ دوزبانگونی^{۲۶}

این اصطلاح که نخستین بار از سوی چارلز فرگسن در سال ۱۹۵۹ پیشنهاد گردید، در مورد اجتماعاتی به کار می‌رود که در آن‌ها دو گونه‌ی متمایز از یک زبان، دارای نقش‌های متفاوتی هستند و هر یک در موقعیت‌های مختلفی به کار گرفته می‌شوند. البته اغلب زبان‌ها دارای گونه‌های مختلف با نقش‌های گوناگونی هستند که هر یک در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی متفاوتی به کار می‌روند. (مدرسی، ۱۳۶۸)

²⁴ -variable²⁵ - language²⁶ -diglossia

۴-۷-۱ دو زبانگی^{۲۷}

تعریف مفهومی:^{۲۸}

تعریف دو زبانگی، تعریف چندان ساده‌ای نیست و با آن که در این زمینه زبان‌شناسان تعریف‌های گوناگونی ارائه داده‌اند، به سهولت نمی‌توان یکی از آنها را بعنوان تعریفی جامع و کامل انتخاب کرد. دو زبانگی پدیده‌ای است جهانی که در اکثر کشورهای جهان وجود دارد و عبارت از حالتی است که فرد به زبان دیگری غیر از زبان مادری خود آموزش می‌بیند. زبان مادری اولین زبان آموخته شده توسط فرد است، زبانی که فرد بدان تکلم می‌کند، با آن رشد می‌یابد و عناصر فرهنگی و اجتماعی محیط خود را توسط آن دریافته، لمس کرده و با آن هویت می‌یابد.

دو زبانگی با توجه به معیارهای زیر تقسیمات گوناگونی دارد:

- (۱) **نوع یادگیری.** بر اساس این معیار، دو زبانگی را به طبیعی و غیرطبیعی تقسیم می‌کنند: اگر شخص دوزبانه از طریقی غیر از آموزش دوزبانه شود، چنین حالتی را دوزبانگی طبیعی^{۲۹} می‌نامیم. این امر در جوامعی رخ می‌دهد که دو یا چند زبان و گویش در آنها رایج است.
- (۲) **میزان تسلط بر دو زبان.** بر اساس معیار مذکور، دوزبانگی به همپایه^{۳۰} و ناهمپایه^{۳۱} تقسیم می‌شود: در دوزبانگی همپایه شخص بر هر دو زبان، در تمام ابعادش، تسلطی تقریباً یکسان دارد، درحالی که در دوزبانگی ناهمپایه گرچه هر دو زبان را می‌داند، تنها بر یکی از آنها تسلط کامل دارد. در دوزبانگی همپایه، شخص برای زبان مادری و زبان دوم، نظامی از عناصر و قواعد کامل در ذهن دارد به طوری که معمولاً این دو نظام در هم تداخل نمی‌کنند.
- (۳) **نقش اجتماعی زبان.** بر این اساس دوزبانگی به صورت‌های خانگی، مدرسه‌ای و یا خیابانی بروز می‌کند: گاه شخص به سبب ازدواج با فردی که دارای زبان دیگری است، در خانه به زبان دوم و در محیط‌های دیگر به زبان اوّل تکلم می‌کند، بنابراین وی دارای ویژگی دوزبانگی خانگی است.

²⁷ - *bilingualism*

²⁸ - *conceptual definition*

²⁹ - *natural bilingualism*

³⁰ - *tantamount bilingual*

³¹ - *compound bilingual*

۴) گونه‌های زبان. بر اساس معیار گونه‌های زبان، دوزبانگی به صورت شفاهی، کتبی و کامل پدیدار می‌گردد: اگر شخص فقط به گونه شفاهی زبان دوم مسلط باشد و تنها از دو مهارت گفتن و شنیدن استفاده کند، «دوزبانگی شفاهی» بروز می‌کند. بالعکس، اگر فردی فقط از گونه مکتوب زبان دوم یعنی خواندن و نوشتن سود ببرد، «دوزبانگی کتبی» رخ می‌دهد. در حالت سوم، اگر شخص، هم به گونه شفاهی و هم به گونه مکتوب زبان مسلط باشد یعنی از هر چهار مهارت صحبت کردن، گوش دادن، خواندن و نوشتن در هر دو زبان استفاده کند، «دوزبانگی کامل» خواهیم داشت.

تعریف عملیاتی:^{۳۲}

دو زبانگی با معرف‌های میزان استفاده از زبان دوم در محیط خانواده، محیط آموزش، محیط اجتماعی، محیط اداری و محیط تجاری سنجیده می‌شود.

۵-۷-۱ زبان محلی^{۳۳}

زبان گفتاری و ادبیات بیانی منطقه-گوش محلی منطقه.

۶-۷-۱ قومیت^{۳۴}

یکی از مؤلفه‌های طبقه بندی افراد در گروه‌های نژادی است.

۷-۷-۱ انسجام فرهنگی^{۳۵}

یکپارچگی درونی فرهنگ ملی بومی - هم‌خوانی فرهنگ ملی ایران یا شاخص‌های قومی و قبیله‌ای.

³²-operational definition

³³- local language (Vernacular)

³⁴- ethnicity

³⁵-cultural cohesion

۸ - ۷ - ۱ حوزه^{۳۶}

عوامل گوناگونی چون موضوع هدف، موقعیت زمانی و مکانی، فرد یا گروه بودن طرف مورد خطاب، چگونگی رابطه‌ی گوینده و شنونده از لحاظ برابری، پایین تری یا بالاتری سنی، طبقاتی، شغلی و غیره، میزان صمیمیت و نیز گفتاری و یا نوشتاری بودن ارتباط زبانی، در تعیین سبک‌های موقعیتی بسیار مهم و مؤثر هستند.

جنت هلمز^{۳۷} (۱۹۹۲، صفحات ۲۳-۳۰) در مورد حوزه می‌گوید: به نظر می‌رسد که عوامل اجتماعی مشخصی مخاطب شما، بافت اجتماعی گفتگو، نقش و موضوع بحث در توجیه‌ی گزینش زبان در انواع مختلفی از جامعه زبانی حائز اهمیت باشند.

۸ - ۱ ساختار کلی پژوهش

فصل اول: کلیات تحقیق: در این فصل مسائلی مانند: مقدمه، اهمیت و ضرورت تحقیق، مکان تحقیق، جمعیت، خصوصیات جغرافیایی و گویش این منطقه، بیان مسأله، اهداف تحقیق، فرضیه‌های تحقیق تعاریف اصطلاحات مهم، متغیرهای تحقیق و ساختار کلی پژوهش بحث می‌شود.

فصل دوم: ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق: در این فصل موضوعات مهمی مانند: مبانی نظری، زبان، پیدایش زبان، گویش، گونه، دوزبانگی و دوزبانگونی، رابطه و جنبه‌های آن، زبان فارسی و تاریخچه و گویش‌های آن، زبان کردی و تاریخچه و گویش‌های آن، حوزه و تجزیه و تحلیل حوزه‌ای و تحقیقات پیشین در زمینه دوزبانگونی در خارج و داخل کشور مورد بررسی واقع می‌شوند.

فصل سوم: روش تحقیق: این فصل به بحث درباره‌ی شیوه‌ی تحقیق، آزمودنی‌ها، ابزارها، جمع‌آوری داده‌ها، روش‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، پردازش داده‌ها، کدگذاری داده‌ها و روش‌های آماری می‌پردازد.

³⁶ - domain

³⁷ - J.Holmes

فصل چهارم: یافته‌ها و نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها: این فصل به بررسی و تحلیل جداول فراوانی و نتایج و تأیید و رد فرضیه‌ها می‌پردازد. مقایسه‌ی کاربرد فارسی و کردی در رابطه با شش حوزه‌ی اجتماعی: خانواده، دوستی، همسایگی، داد و ستد، آموزش و اداری بحث می‌شود. همچنین تأثیرات سن، سطح تحصیلات، جنس و زبان مادری همسر بر کاربرد زبان ارائه می‌شود. در این فصل جدول و شکل‌های مربوط هم دیده می‌شوند.

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری: این فصل شامل خلاصه، بحث، نتیجه‌گیری، رسم نمودار پدیده‌ی دوزبان‌گویی در اورامانات، کاربردهای نظری و عملی و همچنین چشم‌اندازهایی برای تحقیق بیشتر می‌باشد. ضمیمه‌ی این فصل، واژه‌ها و اصطلاحات فنی و پرسشنامه‌ی به کاررفته در این تحقیق است.

فصل دوم :

ادبیات و پیشینه ی تحقیق

۱ - ۲ مقدمه

امروزه به ندرت می‌توان کشورهای را سراغ داشت که لااقل بخش کوچکی از جمعیت آنها به دو یا چند زبان تکلم نکنند، هم اکنون حدود چهار هزار زبان گوناگون تخمین زده می‌شود. توزیع زبان‌ها یکسان نیست، بعضی نواحی عملاً تک‌زبان هستند، در حالی که در برخی نواحی دیگر ممکن است حتی به چند زبان سخن گفته شود. ارقام بیانگر شرایطی هستند که در آن زبان‌ها همزیستی می‌کنند و در عین حال نشان می‌دهند که نیاز به تعلیم و تربیت دو‌زبان بسیار زیاد و در عین حال بسیار پیچیده است. گسترش علم و تکنولوژی، افزایش امکان‌ها به جایی سریع جمعیت، تغییر مداوم شرایط اقتصادی و سیاسی، تغییر افق‌های فرهنگی و نیازها و امیدهای انسان‌ها و بروز فاجعه‌هایی مانند جنگ، بیکاری و قحطی هم سبب می‌شوند که دائماً در گوشه و کنار جهان گروه‌های کثیری از مردم، محل زیست خود را ترک کنند و در نقاط دیگری سکونت گیرند. این امر مستلزم سازگاری‌های بسیار از جمله سازگاری زبانی یعنی فراگیری یک زبان دیگر است. در کنار این نوع دو‌زبانگی که ناشی از جابجایی سریع جمعیت در روزگار ما است، نوع دیگری از دو‌زبانگی نیز وجود دارد که در مقایسه با نوع اول می‌توان آن را دوزبانگی «کلاسیک»^{۳۸} نامید، به این صورت که در بسیاری از کشورهای جهان به علل تاریخی گروه‌هایی از مردم که به زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند، قرن‌هاست که در کنار هم زندگی می‌کنند، عوامل اقتصادی و فرهنگی در این کشورها به گونه‌ای آرایش یافته است که یکی از زبان‌های رایج در آنجا، به عنوان زبان رسمی شناخته می‌شود. به هر حال، دو‌زبانگی خواه در شکل نوین و خواه در شکل سنتی آن مسائلی را برای نظام‌های آموزشی مطرح کرده است که پاسخگویی به آنها، به بررسی‌های دقیق و همه‌جانبه نیاز دارد.

این فصل شامل سه بخش به صورت زیر می‌باشد: بخش اول به بحث و بررسی درباره‌ی مبانی نظری، تاریخچه‌ی زبان^{۳۹}، گویش^{۴۰} و گونه^{۴۱} و لهجه‌های زبان‌های فارسی و کردی می‌پردازد و

³⁸-classic³⁹-language history

تعاریف، تفاوت‌ها و ویژگی‌ها و روابط آن‌ها را ارائه می‌دهد. بخش دوم شامل دوزبانگونی و دوزبانگی و کاربردها، ارتباط و جنبه‌های گوناگون آن می‌پردازد. بخش سوم هم به پیشینه‌ی تحقیقات داخلی و خارجی در زمینه‌ی دوزبانگونی^{۴۲} می‌پردازد.

۲-۲ مبانی نظری

۲-۲-۱ نظریه‌ی ساخت‌گرایی^{۴۳} / رفتارگرایی^{۴۴}

دهه‌ی ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ مکتب «ساخت‌گرایی» یا زبان‌شناسی «توصیفی» مدافعانی همچون لئونارد بلوم فیلد^{۴۵}، ادوارد سپیر^{۴۶}، چارلز هاکت^{۴۷}، چارلز فریز^{۴۸} و دیگران داشته است که این افراد خود را ملزم به استفاده از قوانین علمی زبان‌های بشری که «قابل مشاهده» بودند می‌دانستند، و فقط جلوه‌های کاملاً مشهود و ملموس موضوع تحقیقات آن‌ها بود. به نظر ساخت‌گرایان، وظیفه‌ی زبان‌شناس توصیف و شرح زبان‌های مختلف و مشخص کردن خصوصیات ساختاری آن زبان‌ها بود. این نگرش باعث شد زبان‌شناسان بی‌مهابا متوجه دور افتاده‌ترین نقاط کره‌ی زمین شوند و برای زبان‌های ناشناخته دستور زبان بنویسند. دیدگاه بسیار روشن زبان‌شناسان ساخت‌گرا این بود که «بدون هیچ محدودیتی زبان‌ها می‌توانند از هم متمایز باشند» و این که هیچ پیش‌تصویری در این زمینه قابل قبول نیست. فریمن توآدل^{۴۹} (۱۹۳۵:ص ۵۷) این اصل را به شکل کاملاً افراطی بیان کرد. «هر نوع تلقی که از تفکر، روح جان و مجرداتی از این دست که به عنوان واقعیت‌های موجود داریم، باید به این باور برسیم که دانشمند این نوع علوم بدون یافتن عینیتی در این زمینه‌ها به موفقیت رسیده است چنان که گویی تمامی اطلاعات به دست آمده را از طریق سیستم عصبی فیزیولوژیکی بدن خودش به دست آورده است. حال می‌توان نتیجه گرفت که اگر دانشمند این رشته از علوم خود را درگیر نیروهای فیزیکی و غیرمادی نماید دانشمند به حساب نمی‌آید. روش علمی به گونه‌ای قراردادی است که در آن تفکر و تصوّر نقشی ندارد...». (براون، ۱۳۸۱)

⁴⁰- *dialect*

⁴¹- *variety*

⁴²-*diglossia*

⁴³- *constructivism*

⁴⁴-*behaviorism*

⁴⁵-*Leonard Bloomfigd*

⁴⁶- *Edward sapir*

⁴⁷- *Charles Hocket*

⁴⁸-*F.Charles*

⁴⁹-*Freeman Twaddell*

زبان‌شناسان ساختگرا تنها اطلاعاتی را که به وضوح قابل مشاهده و درک می‌باشد بررسی می‌کنند و هیچ فرض و الزامی را در این مورد که دیگری ممکن است مراحل شناختی مشابهی با افراد دیگر داشته باشد در نظر نمی‌گیرند. بعضی نظرات موجود در افکار اسکینر مخصوصاً نظرات وی در کتاب «رفتار زبانی» (۱۹۵۷) بیانگر این مطلب است که هر تصویری از «عقیده» یا «معنی» افسانه توضیحی بیش نیست و یک سخنگو صرفاً بسان مکان هندسی از رفتار زبانی است تا علت آن رفتار. چارلز اسگود^{۵۰} (۱۹۵۷) از رفتار زبانی همچون یک «مرحله وساطت نمایشی» یاد کرده است که تاکنون از دیدگاه غیرذهنی زبان جدا نشده است. (براون، ۱۳۸۱)

آنچه برای ساخت‌گرایان و زبان‌شناسان توصیفی مهم‌تر می‌نمود، این بود که زبان قابل تجزیه به بخش‌ها و یا اجزای کوچک‌تری می‌باشد، به طوری که این بخش‌ها را می‌توان از لحاظ علمی مورد بحث و بررسی قرار داد، با هم مقایسه کرد و مجدداً با هم ترکیب نمود. به تبعیت از چنین اصلی در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ زبان‌شناسان به سرعت به سوی زبان‌های ناشناخته‌ی اقصی نقاط جهان جهت تبیین دستور زبان آن‌ها گسیل شدند. (همان)

در میان روان‌شناسان، رفتارگرایان توجه خود را به پاسخ‌هایی کاملاً قابل مشاهده معطوف داشتند، یعنی همان رفتارهایی که به عینه قابل درک، ضبط و اندازه‌گیری بودند. یک «روش علمی» به طور جدی مسایل را مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین جنبه‌هایی از قبیل هوشیاری و درک مستقیم، ذهنی تصور شده و حوزه‌ی حقیقی غلطی را در برمی‌گیرند. عدم اعتماد به مشاهده درباره‌ی مسایلی همچون هوشیاری، تفکر جنبه‌ی شکل‌گیری مسایل و یا تحصیل دانش عناوینی را به وجود آورده‌اند که بحث در مورد آن‌ها در چارچوب اصول رفتارگرایی غیرممکن می‌نماید الگوهای رفتارگرایی واقعی شامل یک سلسله اعمال کلاسیک و شرطی شدن‌ها، یادگیری‌های گفتاری طوطی‌وار، یادگیری‌های ابزاری و یادگیری‌های تشخیصی و سایر رویکردهای «تجربی» در مطالعه‌ی رفتار انسانی می‌شود. شما با آزمایشات کلاسیک سگ پاولوف^{۵۱} و جعبه‌های اسکینر^{۵۲} آشنا هستید این آزمایشات نیز می‌خواهند نشان دهند که می‌توان با شرطی کردن ارگان‌های بدن به پاسخ‌های موردنظر رسید در صورتی که کار به میزان متناسب و برنامه‌ی تثبیتی درست ارائه شود. (همان)

⁵⁰ - Charles Osgood

⁵¹ - Pavlov

⁵² - Skinner

۲-۲-۲ نظریه‌ی عقل‌گرایی^{۵۳} و روان‌شناسی شناختی^{۵۴}

در دهه‌ی ۱۹۶۰ نوام چامسکی^{۵۵} مکتب زبان‌شناسی «زایشی-گشتاری» را پایه‌گذاری کرد. چامسکی سعی داشت اثبات کند که زبان انسان را نمی‌توان به سادگی و تنها از راه به دست آوردن اطلاعات اولیه و مشاهده‌ی محرک‌ها و پاسخ‌های محیطی توسط زبان‌شناسان آزمایشگاهی به دقت بررسی کرد. زبان‌شناسان مکتب گشتاری نه تنها به توصیف زبان یا رسیدن به «کارایی توصیفی» زبان علاقه‌مند بودند بلکه اشتیاق داشتند به «کارایی تبیینی» در مطالعه زبان برسند که خود «اصولی پایه‌ای و مستقل در هر زبان دارند و این به خاطر انتخاب کارایی توصیفی دستوری است که می‌توان برای هر زبانی متصور شد» (چامسکی، ۱۹۶۴:ص ۶۳)

هسته‌های اولیه انقلاب زبان‌شناسی زایشی-گشتاری حدوداً در سال‌های آغازین قرن بیستم کاشته شد. فردینان دو سوسور^{۵۶} (۱۹۶۹) ادعا می‌کند که بین واژه‌ی گفتار^{۵۷} (همان چیزی که اسکیز آن را «مشاهده» می‌کند و چامسکی آن را «کنش» می‌نامد) و واژه‌ی زبان (که منسوب می‌شود به واژه «توانش» با همان توان درونی و غیرقابل مشاهده ما فرق وجود دارد). اما در چند دهه بعد همانگونه که قبلاً به آن اشاره شد زبان‌شناسان توصیفی عمدتاً بر آن شدند که توانش را نادیده بگیرند و به مطالعه‌ی کنش بپردازند. انقلابی که به سبب زبان‌شناسی زایشی به وجود آمد با تمایل زبان‌شناسان توصیفی به مطالعه‌ی کنش زبانی (که نماد خارجی زبان است) در هم شکسته شد و توجه زبان‌شناسان بیشتر معطوف به تمایز شخص بین سطح قابل مشاهده زبان (روساخت) با سطح عمقی (ژرف ساخت) و غیرقابل مشاهده آن گردید، سطح غیرقابل مشاهده زبان بیشتر شامل معنا و مفهوم می‌شود که این معنا و مفهوم در نهایت سطح قابل مشاهده زبان را به وجود می‌آورد.

از سوی دیگر روان‌شناسان شناختی ادعا کردند که معنا، ادراک و دانستن داده‌های اصلی برای مطالعات روان‌شناسانه می‌باشد. «شناخت‌گرایان» بیشتر سعی دارند تا اصول روان‌شناسی عملکردها را بیابند و کمتر به مطالعه بر روی ارتباط موجود میان پاسخ و تحریک می‌پردازند. دیوید آسویل^{۵۸} (۱۹۶۵:ص ۴) خاطر نشان کرد: (براون، ۱۳۸۱)

⁵³ -rationalism

⁵⁴ -cognitive psychology

⁵⁵ - Noam Chomsky

⁵⁶ - Ferdinand de Saussure

⁵⁷ - parole

⁵⁸ - David Ausbel